

غزل شماره ۴۲

- | | |
|---------------------------|-----------------------------|
| خبر دل شکستم هوس است | ۱ حال دل با تو گفتم هوس است |
| از رقیبان نهفتم هوس است | ۲ طمع خام بین که قصه فاش |
| با تو تا روز خفتم هوس است | ۳ شب قدری چنین عزیز و شریف |
| در شب تار سگتم هوس است | ۴ وه که دردانه ای چنین نازک |
| که سحر که سکفتم هوس است | ۵ ای صبا شدم مدد فرمای |
| خاک راه تو رفتم هوس است | ۶ از برای شرف به نوک مژه |
| شعر زنده گفتم هوس است | ۷ همچو حافظ به رغم مدعیان |



ترج غزل

معانی لغات غزل

حال دل: سرگذشت دل، خبردل.

طمع خام: تقاضای بی مورد و ناممکن، توقع بیجا.

قصه فاش: راز آشکار شده.

رقیب: مراقب و دربان و در اینجا به معنای طرف و مدعی عشق است.

شب قدر: شبی که در نیمه سوم ماه رمضان واقع و در آن شب تمام قرآن یکجا بر سینه پیامبر نازل شد و در اصطلاح صوفیان شبی که در دل سالک وصال به حق تجلی می کند و معنای ظاهری آن شب شریف و گرانقدر.

دردانه: دانه در، دانه مروارید، کنایه از دلبری نازنین و شریف.

نازک: ظریف، خوش اندام.

سفتن: سوراخ کردن.

شکفتن: باز شدن گل، کنایه از شکوفا شدن، خندان و شادان شدن.

شرف: بلندی مقام و جاه.

رغم: برخلاف، به کوری چشم، در اصل لغت به معنای دماغ کسی را بر خاک مالیدن.

مدعی: داعیه دار بی مایه، کنایه از دشمن و رقیب عشق.

رندانه: زیرکانه، ایهام دار، دو پهلو.

بیت اول

آرزو دارم سرگذشت دل را با تو در میان نهاده و از دل تو خبری بشنوم.

بیت دوم

خواهش بی جا را ببین که آرزو دارم داستان سرآوازه شده خود را از رقیبان پنهان نگاه دارم.

بیت سوم

در شبی که چون شب قدر برای من عزیز و شریف است آرزو دارم که با تو تا روز دربستر به سر برم.

بیت چهارم

(و) در گوهر بگری چون پیکر ظریف و خوش اندام تو در دل شب تصرف و نفوذ حاصل کنم.

بیت پنجم

این نسیم صبا امشب به من کمک کن تا در کار خود موفق شده و سحرگاه خندان و شکوفا باشم.

بیت ششم

آرزو دارم برای کسب شرف و افتخار خاک راه تو را با مژگان خود برویم.

بیت هفتم

حافظ! علی‌رغم دشمنان و حسودان آرزو دارم که همیشه مانند این غزل، اشعار رندانه بگوییم.

شرح ابیات غزل

وزن غزل: فاعلاتن مفاعلهن فعلات

بحر غزل: مجتث مثنیٰ مخبون اصلم مسبغ

عماد فقیه کرمانی:

وصف حسن تو گفتنم هوس است دُر مدح تو سفتنم هوس است
 هوس شادیم نماند و لیک غم دل با تو گفتنم هوس است

*

بدون شک حافظ این غزل را در پاسخ غزل عماد فقیه و به منظور سبقت از او سروده است و شروع مطلع غزل خود را با عبارتی عیناً چون جمله عماد آغاز نموده است. این غزل یکی از غزل‌های دوره جوانی شاعر است. صراحتی که در این غزل به کار رفته و وصف شب وصال و سفتن در و سرفراز بیرون آمدن از آن کار همه و همه دلیل بر خواسته‌های ایام شباب چنانکه افتد و دانی است که در یک رقابت غزلی توسط حافظ سروده شده است. و از آنجایی که در بیت مقطع، شاعر با عبارت (به رغم مدعیان) اشاره به رقیب دارد، بر می‌آید که این رقیب شعری و مدعی، همان عماد فقیه کرمانی است که در غزل ۳۷ نیز در پایان به او می‌گوید:

حسد چه می‌بری ای است نظم بر حافظ قبول خاطر و لطف سخن خداداد است
 و از این دو غزل این کشمکش قلمی و رقابت فیما بین حافظ و عماد کاملاً مسلم و محرز می‌گردد.

شرح جلالی بر حافظ - دکتر عبدالحسین جلالیان